مهدی اخوان ثالث(شاعر معاصر)

تولد:۱۳۰۶در مشهد

فامیلی اخوان ثالث به این دلیل هست که پدرش ۳ برادر داشته .

مادر اخوان اهل خراسان بوده و طبع شعری داشته و معتقدند از مادرش این طبع شعری رو به ارث برده.

خود اخوان خیلی به موسیقی علاقه داشته و ستار می‌نواخته ،اما پدرش مخالف بوده.

البته پدرش هم وقتی میزان علاقمندی اخوان به شعر و موسیقی رو میبینه حتی مشوق اون میشه.

تحصیلات ابتدایی رو در مشهد میگذرونه و بعد توی هنرستان در رشته ی «آهنگری»تحصیل می‌کنه.

اخوان دیپلم میگیره اما سال دوازدهم رو نمیتونه بگذرونه،توی همون دوران دبیرستان با افراد مهمی هم مدرسه ای بوده(محمد قهرمان(شاعر)محمد حبیب الهی(شاعر)و یدالله قرائی)

بعد از تحصیل در ۱۳۲۷ در منطقه ی پلشت ورامین معلم ادبیات میشه و آهنگری هم می‌کنه

همون توی ورامین وارد فضای سیاسی و حزب توده میشه و ۲ سال بعد(۱۳۲۹)به مشهد برمیگرده و با دخترعمویش(ایران)ازدواج می‌کنه و صاحب ۶ فرزند میشه(لاله،لولی،تنسگل،طوس،مزدک،زردشت،علی)

توی کودتای ۲۸ مرداد مشهد بوده و خانوادش مانع میشن که بره در مقابل کودتاچی ها مقاومت کنه،با وجود این ممانعت ها تاثیر سیاسی دوران روی شعر اخوان مشهوده(مثلا در شعر زمستان)

شعر زمستان دو وجه داره(مشخصه،یکی خود زمستان و یکی وجه سیاسی شعر)

اخوان و نیما یه دوره باهم ملاقات میکنن به بهانه ی انتشار کتاب نیما از اشعار شاعران ایرانی به زبان اردو.

مدتی بعد از ملاقات اخوان و نیما و اتفاقات سیاسی و فعالیت های حزبی،اخوان دستگیر میشه.

میگن نیما اخوان رو لو داده(به نظرم چرت میگن:/)

بعد از ۲۸ مرداد اخوان از زندان آزاد میشه و سعی می‌کنه از سیاست دور شه توی روزنامه کار می‌کنه و یه سری دفتر شعر چاپ می‌کنه(آخر شاهنامه مثلا)با یه سری هنرمندا آشنا میشه(فروغ و دیگران).

سال ۴۱ برمیگرده مشهد و با شفیعی کدکنی خیلی رفیق میشه.

در ۴۵ میکشوننش دادگاه و اخوان نمیره و خلاصه میندازنش زندان،بعد از زندان توی بنیاد فرهنگ(با خانلری)کار می‌کنه و بعد میره خوزستان و توی تلویزیون مشغول کار میشه(برنامه ی ادبی« دریچه ای بر باغ بسیار درخت»)

در همین زمان دختر اخوان به همراه نامزدش در سد کرج غرق میشه که تاثیر خیلی عمیقی در روحیه ی اخوان می‌ذاره.

حتی بعد از ۵۷ هم حالت افسردگی داشته.

این وسط یه سفر ۴ ماهه می‌ره با شفیعی کدکنی و دولت آبادی به آلمان و فرانسه و انگلستان که به مقدار حالش رو خوب می‌کنه.

سفر کاری بوده و اشعار معاصر فارسی به آلمانی ترجمه میشن.

بعد از سفر دچار دیابت میشه ولی خب همیشه به سلامت خودش بی توجه بوده و اینباره این رویه رو ادامه میده.

احمد علوی که دوستش بوده یه زور مجبورش می‌کنه دارو مصرف کنه.

۴۰ روز بعد از برگشتن از سفر حالش بد میشه و یه عفونت ریوی ساده باعث مرگش میشه و در ۴ شهریور ۶۹ در تهران از دنیا می‌ره.

اخوان رو در طوس در کنار آرامگاه فردوسی به خاک سپردن(و یه مجسمه ی گچی بسیار مسخره آوردن گذاشتن بالای قبرش که اندازه ی یه کف دسته:/خیلی اعصاب خورد کنه اگه دیده باشین،مال شجریان که اون مجسمه گچی رو ام نداره دیگه-\_-)

درمورد شعر هاش:زمینه ی اجتماعی دارن ولی زبانش،زبان حماسی هست به علت تسلطی که بر ادبیات کهن فارسی داشته.

البته اینا باعث سخت شدن شعرهاش نمیشه.

اخوان با اینکه ادبیات کهن رو می‌شناخته در ادامه به شعر نو گرایش پیدا می‌کنه.

شعرش آمیزه ای از شعر کهن و سبک نیماست.

لهجه ی خراسانی هم گاهی هست توی شعر هاش.

شعر اخوان آیینه ی زمانه ی اخوان بوده و زمان اخوان چیزی نیست که تکرار نشه(یعنی که بخونیم و بدونیم که باید کرد در وضعیت مشابه و شاید چه نباید کرد که به این وضع دچار نشویم:)))

شعر زمستان شجریان تیتراژ پایانی فیلم «زمستان است»با صدای محمدرضا شجریان پخش میشه.

اخوان واقعا خوبه(گاهی بخونید.)